

مصادره نظامی گنجوی توسط دولت جمهوری آذربایجان

آذربایجانی خواندن نظامی گنجوی و ترک دانستن او توطئه ی روس ها جهت هویت زدایی کامل از هر آن چه رنگ ایرانی دارد در منطقه قفقاز است

/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

سال ها است که دولت ترکیه مولانا شاعر بزرگ پارسی گوی را به عنوان شاعری ترکیه ای به دنیا معرفی می نماید.کشور های عربی،بو علی سینا، بیرونی،رازی و... را عرب معرفی و تبلیغ می نمایند دولت با کو نیز نظامی گنجوی شاعری که به همراه فردوسی،حافظ و مولانا چهار ستون سترگ زبان و ادبیات و شعر پارسی محسوب می شود را شاعری ترک ،ضد ایرانی و در تملک دولت باکو تبلیغ می نماید.

در حالی که توجه به مفاخر فرهنگی ایران زمین و حفاظت و حمایت از میراث کهن و ارزشمند فرهنگی و ملی متأسفانه از سوی نهاد ها و رسانه های ایرانی در اولویت قرار ندارد،هر روز شاهد اقدامات خصمانه کشور های تازه سر برآورده همجوار ایران در جعل تاریخ ، فرهنگ ،نماد های فرهنگی وهویت ناموران فرهنگی،تاریخی ایران می باشیم .

به گزارش «ایران آباد»، زمانی از افلاتون پرسیدند: آیا مردم سخنان نادرست را باور می کنند؟ افلاتون پاسخ داد: یکی دو نسل زمان می برد؛ آن گاه چنان باور می کنند که اگر وارونش(خلافش) را بگویند، شما را خواهند کشت!

این حکایت تاریخی دقیقاً وضعیت هویتی دولت باکو را در طول 199 سال پس از جدایی از ایران را نشان می دهد.آن گونه که تحت تعلیمات کمونیستی شوروی سابق مردم ایران شمالی آن چنان شستشوی مغزی داده شده اند که نه تنها تعلق تاریخی 17 شهر قفقاز به ایران را منکر می شوند بلکه ایرانیان و به ویژه فارس زبانان را بزرگترین دشمن خود می دانند!! و جالب تر این که با 7 میلیون جمعیت سودای تجزیه ایران با 20 میلیون آذری را در سر می پروراند!!

این حکایت برای دیگر همسایگان ایران نیز مصداق دارد. سال ها است که دولت ترکیه مولانا شاعر بزرگ پارسی گوی را به عنوان شاعری ترکیه ای به دنیا معرفی می نماید.کشور های عربی،بو علی سینا، بیرونی،رازی و... را عرب معرفی و تبلیغ می نمایند دولت با کو نیز نظامی گنجوی شاعری که به همراه فردوسی،حافظ و مولانا چهار ستون سترگ زبان و ادبیات و شعر پارسی محسوب می شود را شاعری ترک ،ضد ایرانی و در تملک دولت باکو تبلیغ می نماید.

دولت باکو در محدوده سرزمین تاریخی اران و شروان که حتی نام کشورش را برای دست درازی و تجاوز به آذربایجان واقعی به مرکزیت تبریز جعل کرده ، اخیراً در اقدامی موهن و گستاخانه نسبت به هویت و اصالت شاعر پر آوازه ی ایرانی نظامی گنجوی، با پرداخت 110000 یورو به شهرداری رم مجسمه ی وی را دریاخت ایتالیا با عنوان شاعر متعلق به جمهوری (جعلی) آذربایجان!!! در این شهر نصب کرد که این اقدام ضد فرهنگی با اعتراض ایرانیان در ایتالیا و همچنین دانشمندان و دانشجویان ایتالیایی علاقه مند به فرهنگ ایرانی همراه بود.

دولت باکو پیش از این هم در اقدامی که هیچ واکنش در خوری را از سوی جامعه سیاسی و فرهنگی ایران در پی نداشت هویت بابک خرمدین را هم دزدیده و مجسمه ی این سردار بزرگ استقلال و هویت تاریخ ایران زمین را در این شهر با تبلیغ هویتی جعلی به عنوان سرداری ترک ،تجزیه طلب وضد ایرانی !!!! نصب کرده بود.

استالین پیشگام جعل هویت نظامی در شوروی

آذربایجانی خواندن نظامی گنجوی و ترک دانستن او توطئه ی روس ها جهت هویت زدایی کامل از هر آن چه رنگ ایرانی دارد در منطقه قفقاز است. این رفیق استالین بود که در سوم آوریل 1939 در مصاحبه ای، نظامی را آذربایجانی خواند و مدعی شد که قسمتی از آثار او نیز به ترکی است.

«رفیق استالین ضمن مصاحبه با نویسندگان درباره شاعر آذربایجان نظامی، سخن می گفتند و قطعاتی از آثار او را درمیان می گذاشتند تا به وسیله سخنان شاعر این نظریه را رد کنند که گویا شاعر بزرگ برداران ما، آذربایجانی ها را باید به ادبیات ایران تقدیم نمود،فقط به آن دلیل که شاعر قسمت بزرگ آثار خود را به زبان فارسی نوشته بود.» - پراودا، 3 آوریل 1936

پس از اعلام این مطلب از سوی استالین بود که علمای ماوراء ارس از جمله آکادمیسین میرزا ابراهیم اف، عضو فرهنگستان علوم آذربایجان و دکتر رفیعی وhellip; به استناد کشف استالین در مراسم هشتادمین سال تولد نظامی در اتحاد جماهیر شوروی، نظامی را ترک و آذربایجانی خواندند و البته هیچ یک از آنان، آن بخش از اشعار ترکی او را به کسی معرفی نکردند!

در چند سال گذشته بیتی از نظامی گنجوی که درستی و صحت آن هیچگاه ثابت نشده است و به درستی مشخص نیست در کدام یک از آثار و مجموعه های وی است مستمسک برخی ادعاهای کودکانه در خصوص این شاعر و فرزانه بزرگ شده است. شعر : پدر در پدر مر مرا تورک بود// به فرزانگی هر یکی گرگ بود را در زمان اتحاد شوروی جعل کرده اند تا شاید بتوانند شناسنامه ای ترکی برای این شاعر بنراشند. از سوی دیگر دیوانی ترکی را به این شاعر نسبت داده ند که هرگز از او نیست. با این توضیح که در شهر گنجه در طی قرون شاعران بسیاری بودند که " نظامی " تخلص کرده اند. تاریخ سازان یکی از همین دیوان های متاخر ترکی را که سراینده اش تخلص نظامی داشت به نظامی گنجوی پارسی را نسبت داده اند.

متأسفانه به دلیل ضعف تبلیغاتی مفرط ایرانیان است که بزرگان علم و فرهنگ و تاریخ ایران زمین یکی بعد از دیگری به تملک کشور های تازه سر برآورده در می آیند و بدتر این که هیچ واکنش درخوری را هم از سوی ایرانیان شاهد نیستیم.چرا قریب به اتفاق ایرانیان نباید بدانند زادگاه نظامی گنجوی در روستای "تا" در تفرش قرار دارد و بدتر این که سازمان میراث فرهنگی که از این امر خبر دارد چرا نه تنها هیچ تبلیغی انجام نمی دهد خانه نظامی گنجوی را با توجیه عدم بودجه کافی!!! نیمه ویران به حال خود رها کرده است؟

نظامی گنجوی شاعر نامدار ایرانی بر اساس شعری که خود گفته است در شهر تفرش و روستای (تا) متولد شده است. این بیت از اشعار خود نظامی در اقبالنامه می باشد:

به تفرش دهی هست «تا» نام او

نظامی از آنجا شده نامجو

تفرشی بودن نظامی با شعری از شیخ بهایی نیز قطعی شده است. آنجا که شیخ بهایی درباره؟ نظامی می گوید:

ز اهل تفرش است آن گوهر پاک

ولی در گنجه چون گنج است در خاک

لازم به ذکر است که نام پدرش یوسف ، زاده؟ تفرش و مادرش نیز با نام ربیسه ،یک کرد ایرانی بود. همچنین جدش «ذکی» و جد اعلایش «موید» را نیزاهل تفرش (در استان مرکزی ایران) خوانده اند.

به رغم این که خانه پدری و زادگاه این شاعر جهانی در روستای "تا" در تفرش می باشد،به دلیل عدم اطلاع رسانی عمومی ، زادگاه نظامی نه تنها در بین بسیاری از ایرانیان شناخته شده نیست بلکه حتی به رغم نامه نگاری های دلسوزان و علاقه مندان به تاریخ و فرهنگ ایرانی،با بهانه عدم وجود اعتبار توسط نهاد مسوول به حال خود رها شده و به دلیل عوامل طبیعی و انسان ساخت کاملاً مخروبه و نیمه ویرانه شده و هیچ گونه رسیدگی به آن صورت نپذیرفته است.

اما آیا گاه آن نرسیده که متولیان امر اقدامات عملی در جلوگیری از تاراج میراث ملی ایران توسط ضد ایرانیان را به اجرا گذارند؟

بی تردید توجه به اهتمام لازم جهت پاسداشت و احیای هویت ملی ایرانی این شاعر بزرگ از جمله فراهم آوردن امکان مرمت و احیای باشکوه و درخور خانه نیمه مخروبه این شاعر بزرگ جهانی در روستای "تا" تفرش اقدامی است شایسته و بایسته که علاوه بر جنبه های ماندگار و گرانبهای حفظ میراث فرهنگی در جلب گردشگران ایرانی و خارجی و توسعه اقتصادی منطقه نیز بسیار تاثیر گذار خواهد بود.

همچنین باید منتظر بود عملکرد سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را در حفظ و ثبت دیگر میراث ملموس ایران زمین که به ثبت جهانی نرسیده اند مشاهده نمود، از آن جمله است جشن مهرگان، جشن سپندارمذگان(که ولنتاین اروپایی کپی برداری از آن است)، جشن سده، آیین چله یا یلدا(که پایه پیدایش کریسمس تلقی می شود)، جشن تیرگان، موسیقی زیبا و باشکوه کردی، خراسانی، مازندرانی، گیلکی، بلوچی و ... شاهنامه فردوسی، پنج گنج نظامی گنجوی، منظومه بزرگ شهریار با نام حیدر بابا سلام و ... پیش از آنکه همسایگان آن ها را به نام خود به ثبت جهانی برسانند./خ

پایان پیام.